

### شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه ها و بینش ها

دکتر باقر ساروخانی<sup>۱</sup>، دکتر مجتبی صدافتی فرد<sup>۲</sup>

#### چکیده

مقاله حاضر با رویکردی در جهت شناخت چالش هایی که در برابر خانواده ایرانی قرار دارد پدیده "شکاف نسلی" را مورد توجه قرار داده است. پس از طرح مسأله، با تعریف و تفکیک معنایی میان چهار مفهوم مشابه؛ تفاوت، تعارض، گسست، و شکاف نسلی، به تحلیل نظریه ها و پژوهش های مرتبط و تقابل مسأله شکاف نسلی با ساختار خانواده امروزی در ایران پرداخته است. در این راستا از داده ها و نتایج تعدادی از پژوهش ها در ایران که به طور کلی به تضاد ارزشی میان نسلها پرداخته اند بهره گرفته شده است. بر این اساس، هدف مقاله حاضر شناخت وضع موجود در زمینه شکاف نسلی و بررسی و تحلیل عواملی است که شکاف بین نسلها در خانواده معلول آن است. با در نظر گرفتن عوامل متعدد و متنوع موجود، در بررسی یافته های پژوهش های انجام شده تفاوت قابل ملاحظه ای بین گروه های سنی در ایران مشاهده نشده است. در زمینه رویارویی ارزش های نسلی با خانواده و روابط میان نسلی و درون نسلی در درون آن، تفاوت های قابل ملاحظه ای در عرصه ارزش های خانوادگی میان نسل ها وجود ندارد و کمابیش نوعی وفاق جمعی در رابطه با این ارزش ها، میان نسل جوان و بزرگسال جامعه دیده می شود. البته می توان گفت در عرصه عمومی فرهنگ جامعه ایران شکاف عمیق و اختلاف قابل تأملی وجود ندارد اما شکاف نسلی موجود، در نقطه مقابل عرصه عمومی، در عرصه زندگی خصوصی آحاد جامعه ما موضوعیت می یابد.

**کلید واژه:** شکاف نسلی<sup>۱</sup>، گسست [انقطاع] نسلی<sup>۲</sup>، تفاوت نسلی<sup>۳</sup>، گسست فرهنگی<sup>۴</sup>.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۴/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۳/۲۰

۱-استاد دانشگاه تهران

۲-استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار (نویسنده عهده دار مکاتبات). sedaghati\_fard@yahoo.com

مقدمه (طرح مسأله، اهداف و پرسش های مطالعاتی)

رویکردهای موجود به مقوله روابط نسلی حائز ابعاد متعدد و متنوعی است. چنانکه می توان "شکافهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، معرفتی و... جامعه را در قالب هایی چون شکاف میان سنت و مدرن، شکاف میان حاکمیت و مردم، شکاف میان فقیر و غنی، شکاف میان گفتمان مسلط و مقتضیات زمانه و شکاف میان تقاضای نسل جوان و نسل گذشته به تصویر کشید" (تاجیک، ۱۳۸۱: ۲۶۵). برخی نویسندگان معتقدند حتی روی آوردن عظیم زنان به اشتغال و جستجوی موقعیت مستقل و احساس احترام نکردن از پایگاه اجتماعی-اقتصادی (SES) (صدیق اورعی، ۱۳۷۴، ایمانی و مردیها، ۱۳۸۱) را نیز می توان مظاهر و مصادیقی از تفاوت های نسلی امروز دانست. اما قدر مسلم آن است که مقوله شکاف و بطور کلی اختلاف های نسلی، یکی از مصادیق و توابع گذار جوامع از صورت سنتی به شکل مدرن است. باور اصلی در این خصوص آن است که فرهنگ نوین جامعه، در تعارض با فرهنگ غالب بزرگان جامعه قرار گرفته و یا با آن فاصله ای قابل تأمل می یابد. معمولاً جوامع در حال گذار در این وضعیت، و یا جوامعی که با تحولات سریع اجتماعی و تقابلات سیاسی- اجتماعی مواجه می گردند، بیشتر مستعد پدیداری شکاف در میان نسلهای خود می گردند و این قاعده عام، در مورد کشور ایران که مصداق بارزی از یک جامعه در حال عبور از مظاهر سنت به اشکال مدرن است، و در این گذار تاریخی با حوادث و مسائل گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی روبرو بوده و هست، مشهودتر به نظر می رسد. اما با وجود آنکه تغییرات اساسی در خصایص اجتماعی- اقتصادی نسل جوان این کشور میان نسل امروز و نسل در آستانه تغییر بزرگ اجتماعی، یعنی انقلاب تفاوت های اساسی و جدی ایجاد کرده است، نهاد خانواده در این جامعه هنوز جایگاه رفیع خود را کمابیش حفظ کرده و با اندک تغییراتی در روابط اعضا آن، به مسیر فرهنگی خود ادامه می دهد.<sup>۳</sup>

طی دهه اخیر فضای اجتماعی- سیاسی ایران در معرض تحولات بسیار عمیقی قرار گرفته است و یکی از عوامل مؤثر بر این تحولات، بار کمی جوانان یا جوانی جمعیت آن بوده است (لادیه و فولادی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۲). مسأله جوانان در ایران، که جمعیت شناسان با تعبیر "نورم جوانی"<sup>۵</sup> از آن یاد می کنند و روابط نسلی میان آنها و نسل سالمندتر جامعه، مستلزم در میان آوردن بحث خانواده است چرا

۳- هر چند که برخلاف این نظر، برخی دیگر همچون ویلیامز معتقدند خانواده دیگر عامل ایجاد کننده تداوم زمانی نیست چرا که عواملی به شدت ثبات آن را تهدید می کند (برای اطلاع بیشتر ر. ک به؛ کازنو، ۱۳۷۷: ۱۴۹).

که خانواده "به عنوان کانون اصلی تعامل طبیعی بین نسلی، ضمن فراهم ساختن رابطه تعاملی میان نسل‌ها، محل تفاوت‌ها و تعارض‌های نسلی نیز هست" (آزادارمکی، ۱۳۸۳: الف: ۵۷۰). به تعبیر فوکویاما (۱۹۹۷: ۱۲): امروزه خانواده - با تمام تفاوت‌های ساختاری آن در جوامع مختلف - یکی از منابع حائز اهمیت سرمایه اجتماعی در سطح جهان تلقی می‌شود. مفهوم اخیر به لحاظ هنجاری و مناسبات نسلی ارتباط وثیقی با نسل جوان دارد.<sup>۴</sup> ویل دورانت (۱۳۶۹، ص ۴۵۹) می‌گوید جوانی یعنی انتقال از بازی به کار و از وابستگی خانوادگی به اعتماد به نفس. "نسل جوان معاصر خواهان زندگی بهتر، آزادی‌های شخصی بیشتر و تمایل به گسترش عدالت اجتماعی و مشارکت بیشتر در امور" (زراقی، ۱۳۵۵، ص ۳۲) و خواسته‌ها و توقعات بسیار است؛ تمایلاتی که بعضاً با ساختارهایی مانند خانواده یا نسل‌های پیشین معارضت می‌یابد.

جامعه‌ای که در مرحله گذار قرار می‌گیرد استعداد و آمادگی بیشتری را برای تولید شکاف‌های اجتماعی از جمله تفاوت و شکاف نسلی دارد. در ادبیات اجتماعی و تاریخی مربوط به ایران، از جامعه ایران به عنوان جامعه‌ای که در گذار تاریخی خود با حوادث و مشکلات اجتماعی، سیاسی اقتصادی و فرهنگی مواجه است تعبیر شده است. کودتا، انقلاب، شورش، جنبش‌های اجتماعی، اعتصاب، مهاجرت داخلی و خارجی، بحران‌های اجتماعی، تعارض در حوزه قدرت و تحولات فرهنگی هر کدام در مراحل از تاریخ تحولات ایران ثبت شده است.

اساساً مفهوم شکاف در جامعه‌شناسی به آن دسته از تفاوت‌ها و تمایزهای نسبتاً پایدار گفته می‌شود که اغلب در جریان تقابل‌های سیاسی اجتماعی بروز می‌کند. اصلی‌ترین صورت شکاف اجتماعی در ایران به لحاظ ساختار دوگانه اجتماعی سنتی و مدرن است؛ امری که از جهات گوناگون مورد توجه علمای علوم اجتماعی قرار دارد. از این نقطه نظر جامعه فعلی ایران از نظر نظام ارزش‌های فرهنگی در سه حوزه با تحولات و چالش‌های اساسی مواجه شده است؛ مسائلی مربوط به گذر از سنت به مدرن، وقوع انقلاب اسلامی، و تحول موضع دین و روحانیت از موضع غیر حکومتی به حضور در متن حاکمیت و قدرت سیاسی. حضور و وقوع همزمان آثار تحولات در این سه عرصه، مسائلی دوران گذار در جامعه ایران را با عمق و پیچیدگی‌های بیشتری مواجه

۴- براساس رویکرد سن گرا (Agism) جوانان همواره نماد خامی و جاهلیت، و پیران مظهر خردمندی و فضیلت بوده‌اند به طوری که حتی در دوران ما هم، در بسیاری از مناطق شرق ایران، از جمله قسمت‌هایی از خراسان، جوانی و جاهلی مفهومی یکسان دارد (جاجرمی، ۱۳۷۷). اساساً رویکرد سن گرایانه مبتنی بر کلیشه‌های منفی درباره اقلیت مورد نظر بوده و بر این باور متکی است که یک طبقه سنی از برخی جهات پست‌تر از سایر طبقات سنی است و بنابراین رفتار نابرابر در مورد آن مشروعیت می‌یابد.

۱۰ ..... پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸

کرده است (حاضری، ۱۳۸۰، ص ۴۱). چنانکه رفیع پور (۱۳۸۰: ۱۷۰) می نویسد از مهمترین تغییرات ناشی از فرآیند نوسازی در جامعه ایران، دگرگونی نظام های ارزشی بعد از پایان جنگ با عراق و از پس سال ۱۳۶۸ به بعد بود که طی آن از یکسو ارزش های مادی و نابرابر گسترش یافت و از سوی دیگر و همسو با آن ارزش های مذهبی تضعیف شد. قدر مسلم آن است که مدرنیته با تمام عناصر خاص خود پارادایم های معرفتی نسل ها را تحت الشعاع خود قرار می دهد و این موضوع در ایران شرایط جدیدی را پدید آورده است (فادری، ۱۳۸۲: ۱۷۸).

فرزندان در قالب نسل سوم، در برابر والدینی که نسل اول و دوم را تشکیل می دهند علیرغم حیات فرهنگی مشترک، نگرش، رفتار و عملکرد متفاوتی دارند. در این مقاله، آنچه مورد نظر است اختلافات ارزشی و نسلی میان پدران (نسل دوم)، و فرزندان (نسل سوم) است که در سال های اخیر کانون توجه بسیاری قرار گرفته است. بعد از "انقلاب جمعیتی" که در دهه ۱۳۶۰ ایران به وقوع پیوست، جمعیت انبوه و جوانی با سلاقی و علائق خاص، خواسته ها، انتظارات و نگرش های تازه ای را در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی [و حتی روانی] به دنبال آورد. یکی از صاحب نظران می گوید:

"جامعه ایرانی در دوران کنونی حیات تاریخی خود بیش از هر عنصر و دوران دیگری مستعد شکفتن "شکاف ها و ناسازه ها" و رویدن "نهال های هویتی و اندیشگی" گوناگون است. در سالیان اخیر انسان ایرانی یکبار دیگر به تجربه پروسه و پروژه گذار دیگر فراخوانده شده است .... از یکسو در گذار از یک جامعه پوپولیستی به یک جامعه پلورالیستی، از یک جامعه سنتی (مبتنی بر قدرت حاکمی) به یک جامعه مدرن (مبتنی بر قدرت انتظامی)، از یک گفتمان انقلابی به یک گفتمان اصلاحی، از ایدئولوژی گرائی به گفتمان گرائی و ... تغییر و تبدل یافته است... ترجمه عینی این فرایند، "کثرت گرائی" فزاینده ای است که در سیمای گسل ها و شکاف های مختلف اجتماعی - سیاسی، امنیت هستی شناختی و وجودی جامعه را به چالش طلبیده اند" (تاجیک، ۱۳۸۱، ص ۲۶۴).

۵- به عنوان مثال دیوید مک کله لند (D.C. McClelland)، در مورد انگیزه ای مانند انگیزه موفقیت معتقد است علیرغم آنکه، نیازی روانی و پدیده ای است که با شخصیت افراد سر و کار دارد، در حقیقت پدیده ای کاملاً روانی نیست بلکه محصول اختلاف های نسلی هم بوده و از نسلی به نسل دیگر به سرعت تغییر می کند. منشأ این پدیده را بعضی شرایط اجتماعی تشکیل می دهد که باعث ایجاد درجات متفاوتی از این انگیزه در افراد می گردد (برای اطلاع بیشتر ر.ک به گی روشه، ۱۹۶۹: ۱۴۸).

کانون شکاف نسلی هر جامعه را دگرگونی نظام‌های ارزشی تشکیل می‌دهد که بسیار متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی است. "می‌توان پیش‌بینی کرد که در جوامعی که در مرحله شکوفایی اقتصادی قرار دارند، یا به حدی از توسعه اجتماعی گسترده دست یافته باشند که در آن پدیده تمایز یافتگی نقش‌ها، گروه‌ها و نهادها اتفاق افتاده باشد، و یا در معرض تفاوت‌های فرهنگی شدید مثل انقلاب قرار گرفته باشند مسأله شکاف نسلی لااقل تا مدتی اجتناب‌ناپذیر است" (میدفر، ۱۳۸۳: ۷۴). به عنوان نمونه، شواهد معتبر مبین آن هستند که جوانان ایالات متحده آمریکا در سالهای اخیر علاقه بیشتری به موفقیت مادی و علاقه کمتری به اصلاحات اجتماعی نشان داده‌اند تا دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۶۷). انگلهارت<sup>۷</sup> در تحلیل خود با تکیه بر مشاهدات زمانی از دوران پس از جنگ جهانی دوم بیان می‌کند که الویتهای ارزشی مردم غرب از تاکید بر ارزشهای مادی به ارزشهای فرامادی گرایش یافته است (۱۳۷۳: ۱). برخی با توجه به این امر معتقدند با توجه به نوع اجتماعی شدن و شرایط اقتصادی اجتماعی، نسل جوان در ایران نیز در مقایسه با نسل‌های مسن و میانی بیشتر فرامادی است تا مادی (آزادارمکی، ۱۳۸۳: ۱۸).

با آنکه تا سال ۱۹۶۰ در جوامع صنعتی پیشرفته تصور عمومی بر آن بود که گسیختگی، تحت تأثیر مرزبندی‌های نژادی و یا طبقات اجتماعی قرار دارد و بحران‌های اجتماعی لزوماً از این دو سطح منشأ می‌گیرد، سال‌های بعد از این دهه نشان داد که تضادهای اجتماعی می‌تواند از رویارویی نسل‌ها نیز ناشی شود. در طول این دوره جوانان در مجموعه‌ای از جنبش‌های جمعی، نخست در ایالات متحده و سپس در اروپا، خود را به عنوان نیروهایی تاریخی به دیگران قبولاندند. اما شکاف میان جوانان و بزرگسالان، دقیقاً متأثر از جنبش‌های دهه ۱۹۶۰ هر روز کمتر شده است. آلبرونی<sup>۸</sup> (۱۳۷۷: ۸۳) معتقد است فرهنگی جدیدی که توسط جوانان در طول آن دوره تبلیغ می‌شد، اینک جزئی از زندگی هر نسلی شده است. آزادی جنسی، حق بیان، و اشکال گوناگون زندگی خصوصی و سیاسی که عمیقاً به هم گره خورده‌اند، اینک به صورت ارزشهای جهانی درآمده‌اند. از اینرو عمده آنچه امروز در شکل شکاف نسلی بروز می‌یابد فردا تلقی انطباق نسلی از آن می‌شود. ضمن آنکه آنچه در قالب مفاهیم "فاصله ارزشی" یا "شکاف ارزش‌ها" طرح می‌شود تا اثبات شود که نسل جوان کنونی به لحاظ ارزش‌ها، آرمان‌ها و رفتارها با نسل گذشته متفاوت است، حداقل ابعادی جهانی دارد (کمالی، ۱۳۸۰: ۱۱۷). همانگونه که برخی مردم‌شناسان معتقدند که شکاف نسل‌ها پدیده‌ای جهانی است (مید، ۱۳۷۴) می‌توان گفت از ابتدای تاریخ، دغدغه‌هایی نسبت

به اختلافات گوناگون میان نسل ها برای نسل بزرگان جامعه وجود داشته است و مسأله ای خاص جوامع کنونی نیست. چنانکه افلاطون در "پنج رساله" (ترجمه پرویز صناعی، ۱۳۶۲: ۲۳) می گوید "حقیقت این است بین ما و پدرانمان اختلاف زیادی هست و از این بابت شرمساریم، ما پدرانمان را سرزنش می کنیم که وقتی ما جوان بودیم در تربیت ما کاهلی کردند و بیشتر به امور دیگران پرداختند تا به تربیت فرزندانمان". با این حال، در جامعه نوین بشری که پدیدارهای منحصر به فرد رسانه ای، فناوری های الکترونیک و روابط و مناسبات جدیدی مطرح بوده و بسیاری از مناسبات اجتماعی را تحت الشعاع قرار داده و حتی زیر سیطره خود برده اند این مقوله اهمیتی خاص و متفاوت با گذشته یافته است. در این مقاله که هدف آن مطالعه و شناخت مبحث شکاف نسلی و رابطه آن با خانواده در ایران و کاوشی در دیدگاه ها و بینش های موجود در این رابطه بوده است تلاش شده تا در مسیر مطالعه ای بنیادی به پرسش هایی چند پاسخ داده شود، از جمله اینکه؛ مسأله شکاف نسلی در ایران چگونه و چه میزان است؟ چه مطالعاتی در این زمینه انجام و چه نتایج بدست آمده است؟ نسبت مقوله شکاف نسلی با خانواده چگونه است؟

#### تعاریف و مفهوم پردازی ها

به نظر می رسد پیش از طرح مسأله و ورود به بحث مورد نظر، باید با تعاریفی چند، مفاهیمی که در ادبیات مورد مطالعه اختلاف نسل ها، اغلب به طور مترادف به کار می روند، از هم تفکیک شود تا ضمن تحدید محتوایی موضوع، از خطا در تعبیر مفهوم اصلی احتراز گردد. واژه نسل در معنای عام یا از نقطه نظر زیستی و شجره شناختی به معنای یک رسته هم دوره که در یک زمان از یک دنیای مشترک بهره می گیرند اطلاق می شود (جاجری، ۱۳۷۷، ص ۳۶). بیکر (۱۹۸۸: ۱۱۸) می گوید نسل گروهی از افراد است که در فاصله زمانی معینی به دنیا آمده اند، مثلاً متولدین دهه ۱۹۳۰ آمریکا که می توان آنها را بچه های دوره بحران بزرگ نامید. اما در مطالعه روابط نسلی این تعاریف قدری مبهم می نماید. در حوزه مطالعات خانواده بطور کلی نسل فاصله سنی میان والدین و فرزندان آنها را که مدت زمانی میان بیست تا سی سالگی مفروض است در بر می گیرد، از اینرو حضور حداقل سه نسل در زندگی هر فرد مطرح می شود یعنی فرزندان، والدین، و والدین والدین (بالس، ۱۳۸۰). شارون<sup>۹</sup> در اثر خود (۱۹۹۸: ۱۴۹) زیر عنوان "گروه سنی<sup>۱۰</sup> به منزله موقعیتی در جامعه"، از تعبیر جایگاه نسلی بهره برده است. جایگاه نسلی بیانگر موقعیت اجتماعی یک نسل می باشد که آن نسل را با افراد نسل دیگر متفاوت می کند. این مفهوم با مفهوم دوره زندگی نیز قرابت

دارد. به نظر شارون زمانی که فرد متولد می‌شود دارای اهمیت است. زیرا افراد در دوره ای تاریخی قرار می‌گیرند که نسلی شروع به شکل دادن دیدگاهش می‌کند. چنانکه شفرز (۱۳۸۳: ۲۳) معتقد است "جوانی علیرغم دارا بودن معنایی زیست‌شناختی، دوره ای اجتماعی و فرهنگی نیز هست. دوره ای که فرد شرایط لازم برای کنش مستقل در تمام عرصه های زندگی را کسب می‌کند". این دوره تاریخی، افراد را با دیدگاه های آن نسل در سراسر زندگیشان پیوند می‌دهد و بر بسیاری از باورهای آن‌ها اثر می‌گذارد.

اصطلاح "تفاوت نسلی" به معنای اختلافی طبیعی در باورها، ارزش‌ها و هنجارهای میان نسل‌ها شناخته می‌شود. این مفهوم بیش از هر چیز اشاره به جنبه‌های روان‌شناختی هر نسل دارد که همواره وجود دارد و در شکل عدم انطباق کامل جوانب رفتاری، اخلاقی، روانی و اجتماعی کنش‌های نسل جدید در مقابل نسل قبلی مشاهده می‌شود. تفاوت نسلی در نقطه مقابل انطباق نسلی که امری محال است، ضرورتی مطلوب و اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود که موجبات تحول حیات انسانی را در ابعاد مختلف فراهم می‌آورد. در عین حال، اصطلاح "گسست نسلی" عبارت از آن دسته از اختلافات ارزشی، هنجاری، فکری و اعتقادی میان نسل‌ها است که باعث تجزیه کامل میان نسل‌ها می‌شود. گسست یا انقطاع نسلی، وضعیتی را نشان می‌دهد که غالباً نوجوانان و جوانان می‌کوشند آخرین پیوندهای وابستگی خود را از نسل بالغ بگسلند و اغلب در این راه به طغیان‌گری و عصیان می‌پردازند (سپاک، ۱۳۶۴: ۲۵۹). در واقع زمانی که پارادایم‌های یک جامعه به ویژه پارادایم‌های معرفتی آن تغییر کند، انقطاع صورت می‌گیرد. پدیده‌ای که سیر کند و آرامی دارد و در یک دوره طولانی بوجود می‌آید (قبادی، ۱۳۸۲: ۵۴). علیرغم این تعریف، می‌توان گفت همانگونه که انطباق کامل نسلی ممکن نیست، انقطاع یا گسست مطلق نسلی نیز عملاً محال است. این مفاهیم غالباً در رویکردهای افراطی نسبت به مقوله نسل‌ها مطرح می‌شوند و فاقد ابعاد تجربی بوده، و صرفاً نظری است، و حتی در جستجوی اهداف ایدئولوژیک به کار می‌رود. باید پذیرفت که همواره، هر نسلی در فضای فرهنگی نسل پیشین جامعه خود پرورش می‌یابد و لذا هرگونه اختلاف عمیق میان نسل‌ها، با پذیرش ضمنی برخی عناصر فرهنگی - اجتماعی به وقوع می‌پیوندد (باقری، ۱۳۸۲). با این حال چنانکه در سطور پیشین آمد، برخی را عقیده بر آن است که انقطاع نسل‌ها در زمان‌هایی که تحولات زیربنایی یا فکری در جامعه‌ای رخ می‌دهد حادث می‌شود.

اصطلاح "شکاف نسلی" به معنای اختلاف میان نسل ها با صورتی تعاملی است. در فرهنگ آکسفورد، این مفهوم به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده است که موجب عدم فهم متقابل آنان از یکدیگر می شود و فرهنگ وبستر<sup>۱۱</sup> نیز، آنرا به عنوان اختلافی گسترده در خصلت ها و نگرش های میان نسل ها تعریف کرده است (معدفر، ۱۳۸۳: ۵۶). همچنین آزاد ارمکی (۱۳۸۰: ۵۶) شکاف نسلی را به معنی وجود تفاوت های دانشی، گرایشی و رفتاری بین نسل های موجود در خانواده از قبیل والدین و فرزندان با وجود پیوستگی های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی تعریف کرده است. برناردز<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۷: ۱۶۵) در باب شکاف نسلی، معتقد است بسیاری از خانواده های مدرن دربرگیرنده سه نسل هستند؛ شکاف میان پدربزرگها و مادربزرگها و فرزندان ازدواج نکرده آنها، شکاف میان زن و شوهرها با فرزندان نوجوان و جوان آنها، و شکاف میان پدربزرگها و مادربزرگها با نوه هایشان. نسل پدرها و مادرها به وضوح خود را نسل بینابین تلقی می کند و هم با نسل بزرگتر و هم با نسل کوچک تر اختلاف نظر دارد

برخلاف شکاف نسلی که در آن درون کلیت فرهنگی - اجتماعی رابطه ای متعامل میان واحدهای نسلی برقرار است، "تعارض نسلی" ناظر بر وضعیتی است که رابطه مورد اشاره میان واحدهای نسلی، به صورت کشمکش و تضاد نمودار می گردد، و افراد به جای تعامل با نسل سالمندتر، از جنبه های گوناگون در وضعیتی متعارض و متضاد با یکدیگر قرار می گیرند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳ الف: ۵۷۳).

چنانکه ملاحظه می شود در عین تفاوت های معنایی اندک و ظریف، قرابت زیادی میان مفاهیم مرتبط با روابط میان نسل ها وجود دارد، و به این دلیل است که در بحث پیرامون اختلاف نسل ها با هم، این مفاهیم اغلب بجای یکدیگر، به کار می روند. در بررسی مناسبات و روابط میان نسلی در ایران، عده ای تعبیر شکاف نسلی (عبدالهیان، ۱۳۸۲: ۲۵۱؛ حق شناس، ۱۳۸۲: ۲۱۵ و یوسفی، ۱۳۸۳)، برخی واژه گسست (شرفی، ۱۳۸۲: ۱۰۷، سمی، ۱۳۸۲: ۱۸۳، مددپور، ۱۳۸۲: ۳، توسلی، ۱۳۸۲: ۲۴۳)، و برخی انقطاع و یا انسداد نسل ها (آفاجری، ۱۳۸۲: ۱۴۹، قادری، ۱۳۸۲: ۱۷۷، فیرجی، ۱۳۸۲: ۷۱، جلالی، ۱۳۸۲: ۸۱) را به کار برده اند. با عطف توجه به این نکته که در جامعه علمی ما تفکیک روشنی میان اصطلاحات مذکور نشده است، در مقاله حاضر سعی گردیده چشم انداز مورد نظر، بیش از هر چیز معطوف به مقوله شکاف نسل ها باشد و با این رویکرد به موضوع مورد بررسی پرداخته شود.



### شکاف نسل‌ها در ایران، و تأثیر آن بر خانواده

هر نسلی با تولد در خانواده جهت‌یاب<sup>۱۳</sup> و آغاز حیات اجتماعی مجدد در خانواده فرزندزا<sup>۱۴</sup> در کانون روابط درون نسلی و برون نسلی متعدد و متنوعی قرار می‌گیرد. در این میان، یکی از ویژگی‌های بنیادین خانواده به عنوان یک نظام اجتماعی، پویایی آن است که موجب می‌گردد در طول زمان دستخوش تغییر گردد و از جمله مظاهر تغییر در نقش، ساختار و کارکرد خانواده دگرگونی‌هایی است که در طول زمان، متأثر از روابط نسلی نوین و یا تفاوت‌های میان نسلی به وقوع می‌پیوندد. کارکردهای اساسی چنانکه اگبرن<sup>۱۵</sup> و تی‌بیتز<sup>۱۶</sup> در مورد خانواده مطرح ساخته‌اند یعنی تولید مثل، محافظت، اجتماعی کردن، تنظیم روابط جنسی، عاطفه و همراهی، و پایگاه اجتماعی (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۷۰).

امروزه این امری شناخته شده است که؛ هرچه وضعیت و روابط یک جوان در خانواده ای که منشأ در گذشته دارد و حال نامناسب تر، و هرچه توفیق در آموزش، کمتر و دوران انتقال طولانی تر و انتقال مشکل تر و پر تنش تر باشد، درجه متزلزل شدن و امکان بروز و شدت بحران هویت در وی بیشتر خواهد بود. و هرچه شدت این تزلزل و بحران هویت بیشتر باشد جوان با شدت بیشتری در چندین جهت واکنش نشان می‌دهد، عضویت و هم‌رنگی با فرهنگ همسالان که در وضعیت مشابهی هستند، بیرونی کردن بسیاری از هنجارهای درونی شده و در نهایت گرایش به عناد، سرکشی، طغیان، تخریب و تهاجم احساسی، فکری، لفظی و فیزیکی نسبت به والدین و مریبان و کلاً جامعه بزرگسال از مظاهر این آسیب خواهد بود (حیدری یگوند، ۱۳۸۰: ۱۰۸). سگالن<sup>۱۷</sup> (۱۳۷۰: ۲۳۳) بر این باور است که روابط بین والدین و فرزندان آنها، زمانی به بحران و چالش اصلی خود نزدیک می‌شود که فرزندان به سن بلوغ می‌رسند و این زمانی است که توأم با جوانی فرزندان، والدین مسن تر شده‌اند. این دوره ای است که ممکن است الگوهای هنجاری و ارزشی والدین با فرزندان در معرض اختلاف، تعارض و تضاد قرار گیرد. در جهانی که در آن مقولاتی مثل "جهان در حال تغییر" و "خانواده در حال دگرگونی"، مسأله‌های مهمی تلقی می‌شوند (شرنی، ۱۳۸۲)، مؤلفه‌های متعددی در تشخیص هرگونه شکاف یا گسست نسلی در خانواده قابل مشاهده است. از جمله کاهش ارتباط کلامی میان نسل بالغ و جوان، اختلال در فرآیند همانندسازی و عدم تبعیت کامل فرزندان از والدین و تغییر گروه مرجع جوانان، کاهش فصل مشترک‌های عاطفی میان نسلی، عدم

تعهد به فرهنگ نسل پیشین، نابرداری و کاهش تسامح، تساهل و تحمل میان نسل ها (منبع پیشین: ۱۱۳-۱۱۴).

توجه به نسل ها امروز به عنوان یکی از محوری ترین و مهمترین مسائل مربوط به تحول خانواده در ایران مورد بررسی قرار می گیرد. در دورانی پیش از این - دوران مدرنیته - معنی نسل عبارت بود از یک گروه اجتماعی که پیوندهای خانوادگی، ارزش های اجتماعی آن را تعیین و مشخص می کرد و شامل پدر بزرگ ها، مادر بزرگ ها، والدین و فرزندان بود. نسل های خانوادگی حاکم بودند و فرهنگ عام به عنوان یک استراتژی کل گرایانه حاکم بود، و تغییرات اجتماعی نیز به تبع آن تحت تاثیر تغییرات نسل های خانوادگی قرار داشت اما در حال حاضر چون فاصله نسل ها از نظر سنی کاهش یافته، تغییرات اجتماعی معنای جدیدی یافته است. در نتیجه سرعت تغییرات اجتماعی در جامعه جدید ایران خیلی بیشتر از سرعت تغییرات اجتماعی در دوران مدرنیته شده است (توسلی، ۱۳۸۲: ۲۵۵). برخی معتقدند خانواده به عنوان کانون اصلی تعامل طبیعی بین نسلی، ضمن فراهم ساختن رابطه تعاملی بین نسلی، محل تفاوت ها و تعارض های نسلی نیز هست. به طوریکه می توان گفت نسل اول و دوم به لحاظ کارکردی بیشتر در تعامل بین نسلی ساماندهی شده اند، در حالیکه نسل سوم در جهت تفاوت و تعارض شکل گرفته است. هرچند که علیرغم همه این ها، تمام افراد خانواده در قالب سه نسل سعی دارند تا ضمن حفظ خانواده به لحاظ وضعیت حمایتی آن فضای گفتمانی نقد و محدود سازی نقشی و موقعیتی برای نسل دیگر را فراهم سازند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: الف : ۵۷۰). در کنار این، به زعم برخی، با آنکه خانواده در حال حاضر بزرگترین پشتوانه جوان ایرانی است، اما همین خانواده در گیر آسیبهای اقتصادی و به نوعی آسیب اجتماعی است. در ایران با وجود همه تغییرات، هنوز خانواده سنتی و بسته است و انتظار آن را ندارد که جوان با شروع احساس استقلال در خود، خانواده را ترک کند زیرا پیدایش حس استقلال با استقلال یافتن به صورت عینی برای جوان ایرانی همزمان نیست و بسیاری از جوانان بخاطر مسائل مالی تا سالها قادر نیستند استقلال واقعی پیدا کنند. همین وابستگی به خانواده به واسطه مسائل مالی منجر به یک سری کشمکش های درونی و بیرونی بین جوان و خانواده می شود که بازتابهای متفاوتی دارد (سجادی، نقل از کامران، ۱۳۸۱: ۵).

### مبانی و مواضع نظری

مواضع و مبانی نظری که از سوی صاحب نظران در ارتباط با مقوله شکاف نسلی مطرح است به دو دسته قابل تقسیم است؛ نظریه هایی که پدیده شکاف نسلی را در سطح جهان مورد تبیین قرار می دهند و دیدگاه هایی که در ایران نسبت به این امر مطرح است.

بنگستون<sup>۱۸</sup> دیدگاه های عمده در خصوص شکاف میان نسل ها را به سه دسته نظریه های شکاف بزرگ، توهم شکاف یا القائی بودن شکاف، و نظریه تفاوت یا تفاضل انتخابی شکاف طبقه بندی می کند. دیدگاه اول، قائل به وجود شکافی بزرگ و عمیق میان نسل ها است. برخلاف دیدگاه، دیدگاه دوم به وجود شکاف عمیق و وسیع میان نسل ها اعتقاد نداشته و اساساً آن را القاء توهمی می داند که ناشی از تحمیل و فریب افکار عمومی از سوی وسایل ارتباط جمعی است، و دیدگاه سوم که معتقد به وجود پیوستگی و تفاوت انتخابی یا تفاضل گزینشی میان نسل هاست (میدفر، ۱۳۸۳: ۵۷ و یوسفی ۱۳۸۳: ۲۷). معتقدان به دیدگاه اول، مدعی اند که شکاف میان نسل ها تقریباً عمق و وسعت زیادی یافته است و روابط میان نسل ها آشکال متضادی به خود گرفته است. نقطه ضعف این رویکرد آن است که بیش از حد ذهنی و نظری است و مدعیات آن مبنای تجربی ندارد. معتقدان به دیدگاه توهم شکاف در نقطه مقابل، هیچگونه اعتقادی به وجود چنین پدیده ای نداشته و اساساً بر همخوانی ارزش های جوانان و بزرگسالان تاکید می ورزند. کسانی چون ریس<sup>۱۹</sup>، لوبل<sup>۲۰</sup> و لیپست<sup>۲۱</sup> از این دسته هستند که القاء رسانه ها را عاملی می دانند که بیش از عامل دیگر در جهت تحمیل وجود شکاف بر توده ها عمل می کند. با این حال یافته های تجربی موجود در این دیدگاه را نیز چندان قطعی و قانع کننده نمی دانند (همان منابع). دیدگاه سوم، در کنار پذیرش دیدگاه دوم، فرض را بر این می نهد که تعارضات ارزشی اندکی میان نسلهای موجود است و اساساً اندکی تضاد میان نسل ها را می پذیرد. اما در مورد اینکه تفاوت های مورد اشاره چیستند، چگونه پدید می آیند و چه پیامدهایی دارند توضیحی نمی دهد.

اینگلهارت در یک بررسی دقیق در کتاب "تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی"، تغییرات در ارزشهای جامعه را روندی ارزیابی می کند که نه یک شبه، بلکه از نسلی به نسل دیگر حادث می شود. او با مطرح ساختن دو فرضیه اصلی خود تحت عناوین "فرضیه کمیابی" و "فرضیه اجتماعی شدن" دگرگونی ارزش ها در اثر شکاف نسلی را در سطح کشورهای پیشرفته صنعتی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که بعد از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی، می

شود انتظار مشاهده تفاوت های محسوسی را میان الویت های ارزشی گروه های بزرگسال و جوان جامعه داشت. الویت هایی که باید تحت تاثیر تجارب مختلفی باشند که از رهگذر سال ها شکل گرفته اند. فرضیه کمیابی، ناظر بر این امر است که الویتهای فرد بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی وی است و شخص بیشترین ارزش ها را برای آن چیزهایی قائل می شود که نسبتاً کم هستند. در فرضیه اجتماعی شدن می گوید؛ میان محیط اجتماعی و الویت های ارزشی، یک رابطه مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست: یک تأخیر زمانی محسوس در این میان وجود دارد، زیرا ارزشهای اصلی شخص تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال های قبل از بلوغ وی حاکم بوده است (۱۹۹۰:۷۵). پس تغییرات اساسی در مقیاس وسیع زمانی رخ می دهد که یک نسل جایگزین نسل مسن تر در جمعیت بزرگسال یک جامعه می شود.

معیدفر (۱۳۸۳) دیدگاه های موجود در باب وجود یا عدم وجود شکاف نسلی در ایران را به چهار دسته تقسیم کرده است. دسته اول معتقدان به وجود شکاف نسلی در ایران که خود به دو دسته بدبینان و خوش بینان به شکاف نسلی منفک می شوند. دسته دوم آنان که قائل به تفاوت نسلی هستند نه شکاف بین نسلها. دسته سوم دیدگاهی که مسأله اصلی را نه گسست نسلی، بلکه گسستی فرهنگی می داند. و سرانجام، دیدگاهی که با بیم و امید، شرایط فعلی را در صورت عدم مدیریت صحیح، دارای پتانسیل گسترش تفاوت نسلی تا سرحد شکاف نسلی تلقی می کند.

قائلان به شکاف نسلی در ایران عواملی مانند مدرنیته و تحولات سریع جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی و تأثیر نخبگان و انقلاب اسلامی را در کنار عدم پاسخگویی مناسب نظام سیاسی به این تحولات را از جمله عوامل موجد این پدیده در ایران می دانند. آفاجر (۱۳۸۲: ۱۵۵) اوج گیری انقطاع نسل ها در ایران را محصول برخورد نظام اجتماعی بومی با نظام اجتماعی و فرهنگ مدنی و عقلانیتی می داند که از غرب وارد شده بود و قادری (۱۳۸۲: ۱۷۸) می گوید؛ انقطاع نسل ها بر معیار مدرنیته ای استوار است که پارادایم معرفتی ما را قطع کرد و شرایط جدیدی برای ما به وجود آورد. به این معنا که پارادایم مدرنیته شیوه های فکری، اجتماعی، دینی و اقتصادی سنتی (پارادایم سنتی) را بر هم زده است. تاجیک (۱۳۸۱: ۲۷۶) نیز می نویسد "شکاف میان گفتمان سنتی (پیر) و مدرن (جوان) می تواند به عنوان یکی از عوامل فراق و شقاق نسلها باشد: شکاف نسلی در جوامع

۶- برای اطلاع بیشتر ر. ک به: علیخانی، علی اکبر [مجموعه مقالات] (۱۳۸۲): نگاهی به پدیده گسست نسل ها، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه ها و بینش ها..... ۱۹

سنتی که همبستگی و یکدستی فرهنگی و پیروی فرزندان از پیران، خود معمولاً مانع پیدایش شکاف در نگرش نسل ها می شود، کمتر است، برعکس در جوامعی که دستخوش تحولات اجتماعی و فرهنگی گسترده ای شده اند چنین شکافی محسوس تر است."

بدینان این دیدگاه، تحت تأثیر ارزش های انقلابی، شکاف نسلی را موجب بحران هویت و گسست نسل جوان از تاریخ و فرهنگ دینی و ملی خودی ارزیابی می کنند و خوش بینان، این شکاف را تحولی لازم و اساسی برای جامعه آینده ایران می دانند (آقاجری، ۱۳۸۲: ۱۶۲، سریع القلم، ۱۳۸۲: ۱۶۹، معیدفر، ۱۳۸۳: ۶۳).

دیدگاه دوم غالباً مبتنی بر وجود تفاوتی عادی با مبنای روان شناختی و زیست شناختی است اما علاوه بر این، شامل متفکران و محققینی نیز می گردد که صرف نظر از دلایل یاد شده معتقد به وجود تفاوتی صرف میان نسل ها هستند و تعبیر شکاف نسلی را در مورد این مناسبات صحیح نمی دانند.<sup>۷</sup> به طور کلی آنان در پژوهش های خود استنتاج کرده اند که در ایران بیش از آنکه تضاد میان نسل ها در سطح ارزشی ملاحظه شود، وفاق و همگرایی وجود دارد (توکلی، ۱۳۸۲: ۲۷۶، و غلامرضا کاشی، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

در دیدگاه سوم که شکاف نسلی بیش از هر عامل دیگر یک گسست فرهنگی تلقی می شود صرفاً اختلافات عمودی میان نسلی مطرح نیست بلکه این مناسبات در سطح افقی براساس دو رویکرد سنتی و مدرن قابل بررسی است. چنانکه در هر یک از این دو گروه، قائلان به هر یک از این رویکردها در نسل پیر و جوان حضور دارند و این بیش از آنکه معلول شکاف نسلی باشد اشاره به نوعی انقطاع فرهنگی میان افراد جامعه دارد. گسستی که پیش از آنکه نسلی باشد گسستی فرهنگی یا تمدنی است و شاید بحرانی ترین و خطرناکترین گسست نسلی هم با همین گسست پیوند داشته باشد که شرایط بحرانی سیاسی ایجاد می کند (مددپور، ۱۳۸۲: ۲۳-۲۲).

اما دیدگاه چهارم شامل دیدگاه هایی است که معتقدند در صورت تداوم سیاست انعطاف ناپذیری نسبت به تحولات جدید و تفاوت های نسلی پدیده شکاف یا گسست نسلی قریب الوقوع است. براساس این رویکرد، زمانی که الگوهای رفتاری حاکمان، بر محور کج تابی باشد و حاکمیت برخلاف دولت های دمکراتیک مدرن در حوزه های خصوصی برای خود اختیاراتی قائل باشد و

۷- غلامرضا کاشی (۱۳۸۳: ۱۱۶) می گوید: "...من به واسطه دو تجربه گرم انقلاب و جنگ، می گویم که گروه های نسلی به واسطه نسبی که با این دو تجربه گرم دارند، قابل تفکیک هستند. لذا این تجربه نسبت به یک تجربه تاریخی فرهنگی بیشتر بیانگر تفاوت نسل ها است، نه مقوله سن. ما بیشتر با تفاوت نسل ها مواجه هستیم تا شکاف نسل ها..."

در تعمیم ارزش های تبلیغی خود ناتوان باشد با عدم مشروعیت روان شناختی مواجه خواهیم شد. تداوم و توافق نسلی بر این مبنای، تا وقتی برقرار است که مشروعیت روان شناختی بالاتر از آستانه قرار داشته باشد و میان وجوه مختلف رفتاری حاکمان با وجود مختلف رفتاری حکومت شوندگان، تناسب و سنخیت وجود داشته باشد (جلالی، ۱۳۸۲، صص ۹۵-۹۴). بنابراین راهکارهایی مثل گفتگوی بین نسل ها، اصلاح طلبی و پذیرش مشارکت فعالانه نسل جدید، در تخفیف شکاف نسل ها مؤثرند (منصور نژاد، ۱۳۸۲: ۲۱).

برخی معتقدند مناسبات نسلی را بایستی براساس جامعه شناسی پدیدارگرا که بر تفسیر عمل و تفکر محدود به شرایط استوار است مورد تحلیل قرار داد (محمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۴). دیدگاه یادشده، جوانی را دوران بحران زایی تلقی می کند که هم گذار فیزیولوژیک دارد و هم بحران جامعه پذیری و فرایند تکوین شخصیت. این رویکرد، بدون درک و فهم جوان و شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی او، تکلیف یا رسالت خاصی را از او طلب نمی کند و برای گریز او از ارزش ها و هنجارهای حاکم و مسلط عهد پدران، همدردی ها و تفاسیر موجهی دارد، چنانکه ادموند هوسرل در شرح بحران اروپا از تعبیر "نفرت موجه" جوانان استفاده برد. محمدی (۱۳۸۳) معتقد است بحث و بررسی مسأله جوانان، بدون رویکرد پدیدارشناختی مذکور، امکان نیل به حل بحران ها را نمی یابد و همانند جامعه شناسی پوزیتیویستی در مقام پدرسالارانه، نرمانیو و تجویزی باقی می ماند. از اینرو باید در پی هم فهمی، شناخت و درک مفهوم عمل فردی و اجتماعی آنها بود و سوء تفاهم های میان نسلی را تا حد مؤثری کاهش داد.

نظریه هایی چند نیز بر عوامل دیگر اشاره کرده اند. نظریه وابستگی بر این امر اشاره دارد که وابستگی های گوناگونی که فرزندان به والدین خود دارند (وابستگی مالی، عاطفی و...) می تواند باعث کاهش یا عدم امکان پدیدآیی شکاف میان این دو نسل گردد. برخی صاحب نظران حوزه جامعه شناسی خانواده، از "سندرم شکست" یاد می کنند که بارزترین نمونه آن هراس فرزندان از عاق والدین در صورت هرگونه دگراندیشی و تضاد فکری و عملی با والدین است. نظریه دیگری موسوم به نظریه چرخشی نیز بر این امر اشاره دارد که فرزندان که به لحاظ ارزشی با والدین و نسل پیش از خود دارای شکاف هستند، خود، پس از رسیدن به نقطه سنی کمابیش معین، یا در جایگاه والدینی با نسل پس از خود به گونه ای عمل می کنند که مصداق شکاف نسلی است و حال آنکه در زمانی پیش از این، همین والدین در جایگاه فرزندان در موضوعات مشابه، با والدین

خود دچار چالش بوده اند.<sup>۸</sup> اینگونه نظریه‌ها با رویکردی به خانواده مطرح شده‌اند، چنانکه در دیدگاهی خرد، سگالن (۱۳۷۲) حوزه روابط میان نسلی را با رویکرد جامعه‌شناسی خانواده مطالعه کرده است. جالب توجه آنکه به اعتقاد وی تمایزات میان نسلی، انعکاسی از تحولات اجتماعی-تاریخی است. لذا چنانکه تصور می‌شود اختلاف‌های نسلی منحصراً نشان‌دهنده وجود مسأله و مشکل در خانواده یا تضاد بین گروهی نیست، بلکه می‌تواند انعکاسی از تحولات تاریخی-اجتماعی باشد. این رویارویی در موارد بسیاری، در بردارنده تضادی است که منشأ آن موقعیت‌های مختلف طبقاتی است.

#### بررسی نتایج پژوهش‌های تجربی

در زمینه مطالعه تضادهای میان والدین و فرزندان، معمولاً داده‌ها به سه صورت گردآوری می‌شوند؛ از دیدگاه والدین، یا از نگاه فرزندان و یا مقایسه دیدگاه والدین با فرزندان. علیرغم آنکه در تعداد زیادی از تحقیقات، اطلاعات صرفاً از یک نسل گرفته شده است، اغلب متقاعدکننده‌ترین نوع پژوهش را مواردی می‌دانند که داده‌ها را از هر دو نسل جمع‌آوری می‌نمایند (یوسفی، ۱۳۸۳).

از گذشته تاکنون پژوهش‌های بسیاری پیرامون روابط نسلی در ایران با عناوینی که بیشتر تعارض ارزشها و نگرش‌ها در متن توجه آن قرار داشت انجام شده است. یکی از قدیمی‌ترین آنها، پژوهشی است که در سال ۱۳۵۱ با موضوع «تفاوت نظام ارزش‌های نوجوانان و پدران و مادران» به منظور دستیابی به موارد اختلاف نظر بین جوانان و اولیای آنان که اغلب می‌تواند مسبب ناسازگاری‌های آنان باشد با در نظر گرفتن مواردی مثل ارزش‌های اخلاقی، آزادی طلبی، مسائل اقتصادی و اجتماعی، معاشرت با جنس مخالف، مسائل مذهبی و رابطه نوجوانان با والدین انجام شد.<sup>۹</sup> خلاصه نتایج حاکی از آن بود که علیرغم وجود موارد تضاد یا اختلاف میان جوانان و والدین آنها در مقوله‌ای چون آزادی معاشرت بین دو جنس، در سایر موارد علیرغم اختلاف‌های اندک، هماهنگی‌های زیادی میان این دو نسل دیده می‌شود.

تحقیقات دیگری هم در این سال‌ها انجام شد مانند پژوهشی که در سال ۱۳۵۳ تحت عنوان «گرایشهای فرهنگی و نگرشهای اجتماعی در ایران» انجام پذیرفت (جلیلی، ۱۳۷۷: ۶۴) که با

۸- ساروخانی (ب). جزوه‌های درسی دوره دکتری جامعه‌شناسی. ۱۳۸۵.

۹- این تحقیق توسط کمیته تحقق انجمن ملی اولیاء و مربیان با نظارت و همکاری آقایان دکتر ابراهیم هاشمی، محمدعلی طوسی، سیروس عظیمی و محمدصادق شیخستانی انجام شده بود.

تغییرات بسیاری در سال ۱۳۷۴ با عنوان «بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران»<sup>۱۰</sup> مجدداً انجام شد. بر اساس نتایج، تفاوت میان ارزش های خانوادگی در برخی زمینه ها میان دو نسل ناچیز بوده و یا اصلاً وجود نداشته است. تنها در برخی موارد مانند معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج، مخالفت با ازدواج فامیلی، توزیع قدرت در خانواده میان نسل جوان و بزرگسال جامعه مورد مطالعه، تفاوت هایی مشاهده می گردد. در نتیجه کلی این بررسی، عملاً شکافی میان دونسل جوان و سالخورده مشاهده نشد جز در مواردی معدود که اختلاف های ناچیزی که اغلب طبیعی و عادی تلقی می گردد. محقق مزبور از جمله این موارد را گرایش به ارزش های مادی گرامی داند:

"به نظرمی رسد جامعه ما در مسیر حرکت به طرف ارزش های مادی گرایانه بیشتری است چرا که این ارزش ها در نسل ۱۶ تا ۲۴ ساله ایران در حال افزایش ملاحظه می شود و اطلاعات این تحقیق مبین این تفاوت هست."

پژوهش دیگری، در بررسی سه نسل متوالی در سطح تهران، با عنوان "شکاف بین نسلی در خانواده" یا "یا رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی"<sup>۱۱</sup> با طرح پرسشی اصلی که آیا رابطه میان نسل ها تزامنی است یا توافقی؟ به این نتیجه دست یافت که جامعه ایرانی با توجه به عوامل بیرونی اثرگذار خانواده و افزایش جمعیت جوان و نیازهای آنها، با تفاوت نسلی روبرو شده است و جوانان به عنوان یک گروه اجتماعی جدید، ممتاز و متفاوت از نسل پیشین اندیشیده و عمل می کنند. با این حال از لحاظ نحوه گذران اوقات فراغت، دوست یابی، علائق و نیازها و توجه به زندگی خانوادگی، تفاوتی که نشان دهنده رویارویی دونسل باشد مشاهده نمی شود. همچنین با توجه به اهمیت نهاد خانواده، آداب و سنن، هنجارها و نظام ارزشی آن، به عنوان مکانیسمی فرانسلی عمل کرده و سه نسل را با یکدیگر پیوند داده است. آئین های اجتماعی موجود در خانواده از قبیل احترام به بزرگان، رعایت حقوق پدر و مادر و تعلق عاطفی به بزرگان عوامل تعیین کننده این پیوستگی اجتماعی فرهنگی محسوب می شوند. سرانجام آنکه نیاز مالی فرزندان به والدین و نیاز عاطفی حمایتی والدین به فرزندان تا حد زیادی نسل ها را به هم پیوند داده و موجب جلوگیری از

۱۰- این تحقیق که توسط دکتر منوچهر محسنی در سطح ۱۵ شهر کشور و با نمونه ای بالغ بر ۳۵۴۰ نفر انجام شد، در کتابی با همین عنوان در سال ۷۹ چاپ و منتشر گردید.

۱۱- این تحقیق توسط دکتر تقی آزاد ارمنکی در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۹ انجام شد.



شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه ها و بینش ها.....۲۳

تبدیل تفاوت های نسلی به تعارض های نسلی شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰، صص ۶۹-۵۵، و آزاد ارمکی، ۱۳۸۳ الف: ۵۸۹-۵۷۰).

پژوهش دیگری با عنوان «جوانان و دگرگونی فرهنگی ارزشی» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۳۱-۱۷) با فرض وجود رابطه معنادار بین گروه های سنی و الویتهای ارزشی (مادی / فرامادی) در سطح کشور انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که:

۱- جامعه ایرانی جامعه ای است که در جریان تغییر فرهنگی قرار دارد و تغییرات صورت گرفته سوگیری واحدی ندارد.

۲- با توجه به ساختار جمعیتی ایران و جوان بودن جمعیت، نسل جدید بیشترین نقش را در تغییر اجتماعی و فرهنگی به عهده گرفته است. رابطه نسلی در ایران کمتر تراجمی است بلکه بیشتر براساس وجود ارزشهای اجتماعی مشترک تلفیقی است.

۳- نهاد خانواده، دین و حکومت در میان نهادهای اجتماعی اهمیت بالایی دارد. بدین لحاظ با وجود تغییر در کلیت ساختار اجتماعی همچنان دین و خانواده برای همه نسل ها از اهمیت بالایی برخوردار است.

همچنین پژوهش های دیگری با رویکردی خاص نسبت به یک جنس انجام شده است. یافته های یک تحقیق در این زمینه، با عنوان «بررسی ویژگی های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی» که با هدف مطالعه الویت های ارزشی نسل دختران و مادران تهرانی به عمل آمد نشان داد که شکاف نسلی میان مادران و دختران وجود ندارد و تفاوت های موجود قابل توجه و معنادار نیست<sup>۱۲</sup>. شباهت های ارزشی این دو نسل در ارزش های مادی، و تفاوت های اندک، بیشتر در سطح ارزش های معنوی مشاهده شد. ارزیابی نهائی محقق آن است که شکاف ارزشی میان دو نسل مادر و دختر وجود ندارد و تنها تفاوت هایی جزئی مشاهده می شود.

در تحقیق دیگری با عنوان طرح ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان که یکی در سال ۷۹ و دیگری در سال ۸۲ برای بررسی چهار دیدگاه مطرح شده انجام گرفته است ارزش ها و نگرش های دینی، ترجیحات سیاسی و احساس تعلق به جامعه، و ارزش ها، هنجارها و مسائل اجتماعی افراد با یکدیگر مقایسه شده است. جز جنبه اعتقادی و باورها در سایر جنبه ها همچون پایداری به مناسک

۱۲- منبع تحقیق یادشده: توکلی، مهناز (۱۳۸۲): بررسی ویژگی های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی/مجموعه مقالات، نگاهی به پدیده گسست نسل ها (به اهتمام علی اکبر علیخانی)، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی: صص ۳۷۹-۳۵۰.

دینی و رویکرد تساهلی نسبت به دین تفاوت های رو به افزایشی ملاحظه شد. همچنین غیر از رابطه دین و سیاست که تفاوت خیلی اندک ارزیابی شده، در زمینه احساس تعلق به جامعه و نگرش نسبت به حکومت تفاوت های دیده شده رو به افزایش است. در جنبه سوم، در هر دو پژوهش سال ۷۹ و ۸۲ کمترین اختلاف میان جوانان و بزرگسالان مربوط به نگرش آنها به مسائل اجتماعی (طلاق، بیکاری، اعتیاد، پارتی بازی و...) و بیشترین اختلاف در زمینه اعتماد اجتماعی و نگرش نسبت به ارزش های انسانی بوده است. به طور کلی می توان گفت در هر سه حوزه ارزش های دینی، سیاسی و اجتماعی اختلاف زیادی بین جوانان و بزرگسالان دیده نمی شود ولی برخی تفاوت های موجود رو به افزایش است (معدفر، ۱۳۸۳).

نتایج پژوهش دیگری<sup>۱۳</sup> با طرح سئوالاتی مانند؛ آیا ارزش های نسل پدران و فرزندان با هم متفاوت است؟ مهم ترین عوامل موثر بر شکاف (ارزشی) بین نسل ها چیست؟ نشان می دهد که بیشترین شکاف بین پدران و فرزندان به ترتیب در ارزش های اجتماعی، ارزش های سیاسی، ارزش های فرهنگی و ارزش های اقتصادی است. با این حال اختلاف میانگین پاسخ های پدران و فرزندان در شاخص شکاف نسلی از دیدگاه نسل ها بسیار پائین است.

#### بحث و نتیجه

خانواده به مثابه ساختاری بنیادین همواره با پرسشهایی اساسی در تقابل نسل جدید جامعه مواجه شده و اساس پیدایش این شکاف فکری و عملکردی میان نسلها را اختلاف نظر در پذیرش و پیروی از ارزشهای سنتی خانواده در برابر ارزشهای نوین تشکیل می دهد. به واقع در درون این نهاد اجتماعی- با آنکه کانون اصلی تعامل طبیعی بین نسلی قلمداد می شود- علاوه بر تعاملات بین نسلی، تفاوت ها و تعارض های نسلی نیز وجود دارد. در مقاله حاضر بطور مجملی به مفاهیم، مبانی، و مواضع نظری صاحب نظران در قالب نظریه هایی که پدیده شکاف نسلی را در سطح جهان و دیدگاه هایی که در ایران مطرح است، پرداخته شد و سپس نتایج پژوهش های تجربی که در این زمینه انجام گرفته است به اختصار مورد بررسی قرار گرفت.

در بررسی دیدگاه ها و تحقیقات مذکور این نکات روشن می گردد که از سوئی همگام با قائلان به دیدگاه وجود شکاف نسلی در ایران که این پدیده را معلول عواملی مانند مدرنیته و تحولات

۱۳- پژوهش مذکور توسط نریمان یوسفی از اواسط سال ۸۰ شروع و اواسط ۸۲ به پایان رسید، و در قالب کتابی منتشر گردیده است. رک به: یوسفی، نریمان (۱۳۸۳): شکاف بین نسلها بررسی نظری و تجربی، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

سریع جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی، تأثیر نخبگان و انقلاب اسلامی تلقی می‌کنند و یا اعتقاد به نوعی شکاف گفتمانی میان نسلها دارند، می‌توان گفت در برخی حوزه‌ها نوعی فاصله اجتماعی یا احساس جدایی میان گروه‌های اجتماعی دیده می‌شود. حوزه‌هایی که البته بعضاً در حیطه خصوصی حیات اجتماعی می‌تواند مورد دقت قرار گیرد. "عده‌ای بر این عقیده‌اند که روابط نسلها در جامعه امروز ایران از نوع توافقی است در حالیکه سایر مطالعات روابط تفاوتی و تعارضی را عنوان کرده‌اند، و حتی برخی از مطالعات این روابط را در حد گسست و تعارض دانسته‌اند" (جعفرزاده پور، ۱۳۸۸: ۱۲) در عین حال دیدگاه مبتنی بر وجود تفاوت میان نسل‌ها و وجود توافق و همگرایی، اختلافات ناچیزی که به طور طبیعی در تمام جوامع و از جمله کشور ایران وجود دارد را در عرصه عمومی زندگی اجتماعی تبیین می‌نماید. اما نقش دیدگاهی که قائل به شکاف‌های فرهنگی است را نیز نباید نادیده گرفت. شکاف‌هایی که در مواقعی مخاطره‌آمیز می‌نماید و شرایط بحرانی پدید می‌آورد. با این حال، علیرغم تمام نظریه‌هایی که به تبیین تئوریک پدیده شکاف یا گسست نسلی در ایران می‌پردازند و برخلاف آنچه ظاهراً و با مشاهده مستقیم یا تجربی به صورت نوعی تغییر فضای فرهنگی - فکری جامعه ایران مشاهده می‌گردد، بر اساس یافته‌های پژوهش‌های انجام شده، تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین گروه‌های سنی مشاهده نمی‌شود. واقعیت آن است که گروه سنی جوان به نحو قابل توجهی در بسیاری از وجوه و شاخص‌ها هماهنگ با نسل سالمند جامعه عمل می‌کند. هرچند ملاحظه می‌شود که بطور مثال در ارزیابی مواردی همچون میزان تقلید مردم به فرائض دینی مانند بجا آوردن نماز، در مقایسه با گذشته، تفاوت معناداری بین نگرش‌های گروه‌های سنی وجود دارد، به این صورت که گروه‌های سنی پایین‌تر، نگاه منفی‌تری نسبت به وضعیت فعلی جامعه از نظر میزان مقید بودن به ادای نماز دارند و این شکاف را در باور به سایر اعمال و مناسک دینی مثل میزان شرکت در نماز جماعت، شرکت در نماز جمعه، گرفتن روزه، مسجد رفتن، تقلید از مراجع و ... به وضوح می‌توان ملاحظه کرد. اما به طور کلی می‌توان گفت براساس این داده‌های تحقیقی، تفاوت‌ها و برخی اوقات شکاف‌های موجود در میان نسل‌ها در ایران، در عین غیرقابل انکار بودن برخی تمایزها، آن اندازه که تصور می‌شود، نگران‌کننده نیست.

یافته‌های تحلیلی پژوهش حاضر، با نتایج حاصله از تعدادی تحقیقات مربوط در زمینه شکاف نسلی که به صورت اسنادی و یا فراتحلیل<sup>۲۲</sup> به دست آمده است منطبق است. چنانکه براساس

مستندات یکی از محققان، در هر سه حوزه ارزش های دینی، سیاسی و اجتماعی، در برخی زمینه ها تفاوت آشکاری میان جوانان و بزرگسالان مشاهده نمی شود. از این منظر جوانان و بزرگسالان از جنبه های اعتقادی و باورهای دینی، نگرش نسبت به رابطه دین و سیاست و نگرش نسبت به مسائل اجتماعی (مانند طلاق، بیکاری، گرانی، اعتیاد و ...) تفاوتی با یکدیگر ندارند یا تفاوت اندکی دارند. در عین حال در زمینه های پایبندی به مناسک دینی، رویکردهای تساهلی نسبت به دین، تلقی کمتر مذهبی از خود و ارزیابی بدبینانه تر از آینده دین تفاوت های زیادی با بزرگسالان دارند که در طی زمان بیشتر نیز شده است. همچنین است در زمینه هایی مثل احساس تعلق کمتر نسبت به جامعه، عدم اعتماد اجتماعی، تاکید بیشتر بر ارزش های مدرنیستی، و تاکید کمتر بر ارزش های آرمانی که تفاوت هایی با بزرگسالان وجود دارد (میدفر، ۱۳۸۳). محقق دیگری در رویکردی فراتحلیل گونه در نهایت به این نتیجه نائل آمده است که عملاً شکاف بین دو نسل جوان و سالخورده وجود ندارد (اساساً شکافی میان نسل های هر گروه سنی نیست) و هر آنچه که هست اختلافات ناچیز یا در مواردی نادر، قابل توجه است که به طور طبیعی در تمام جوامع و از جمله کشور ایران وجود دارد (جلیلی، ۱۳۷۷: ۷۱).

در زمینه رویارویی ارزش های نسلی با خانواده، جالب توجه است که تفاوت های قابل ملاحظه ای در عرصه ارزش های خانوادگی میان نسل ها مشاهده نمی شود و کمابیش وفاق جمعی در رابطه با ارزش های مذکور میان نسل جوان و بزرگسال جامعه در تمام گروه های جنسی، تحصیلی و غیره وجود دارد. موارد معدود تفاوت در ارزش های خانوادگی میان دو نسل، در سه زمینه معاشرت میان دو جنس قبل از ازدواج، عدم موافقت با ازدواج خویشاوندی یا فامیلی، و توزیع قدرت در خانواده است. به عبارت دیگر نسل جدید در عرصه خواست های خانوادگی، بیش از نسل قبل از خود متقاضی آشنایی و ارتباط قبل از ازدواج با جنس مخالف خود و اجتناب از انتخاب همسر به طریق سنتی می باشد، هرچند که والدینی که جوان هستند هم، موافقت های بسیاری با این ایده دارند. در خصوص مورد دوم نیز با آنکه در نسل قدیم جامعه، مخالفت های زیادی با ازدواج فامیلی وجود دارد اما تفاوت در اعتقاد به این امر موجود است و نسل جوان جامعه بیش از نسل والدین خود، جویای تثبیت این مخالفت می باشد. همچنین، متناسب با آنچه دیرگاهی است در خانواده هسته ای جوامع صنعتی پدید آمده است، نسل جوان بیش از مردسالاری، به توزیع افقی قدرت در خانواده بجای اقتدار عمودی آن می اندیشد و لذا گرایش به پیدایی خانواده

دموکراتیک که در آن زوجین به مطالبات متقابل یکدیگر احترام گذارده و تصمیمات اساسی خانواده را با توافق بین طرفین اتخاذ می‌کنند، مخصوصاً در میان زنان، بیشتر شده است. به طوریکه این تفاوت اندک در زمینه نگرش به اشتغال زنان در خارج از خانه نیز وجود دارد و جوانان تمایل بیشتری را نسبت به سالخوردگان در این ارتباط دارند. فارغ از مسأله‌هایی که در خانواده مطرح است در عرصه رفتارهای فردی و اجتماعی، اختلافات بین دو نسل اندکی بیشتر است.

برخی جامعه‌شناسان غربی اعتقاد دارند که اختلاف‌های نسلی، بیشتر معطوف به جامعه است تا خانواده، چنانکه جان گیلیس<sup>۳۳</sup> می‌گوید مطالعات مربوط به "طاغیان جوان" نشان می‌دهد که گرچه درجه‌ای خاص از تنش فرزند-والدینی وجود دارد، اما هدف اصلی گردنکشی جوانان نه خانواده، که محیط خارج است. یعنی نهادهای اجتماعی، سیاسی و آموزشی که صرفاً به گونه‌ای غیرمستقیم با نسل قدیم تر هم هویت تلقی می‌شوند (سگالن، ۱۳۷۳):

"...در قبال موضوعات بنیادی سیاسی و اجتماعی، احتمال بیشتر این است که جوانان و والدین آنان دارای اتفاق نظر باشند و نه اختلاف عقیده، و تنش‌ها نیز معمولاً بر سر وسیله بروز می‌کند و نه هدف. این بازتاب سرعت عادی سیر تحولات تاریخی است و نه نشانه بروز اختلال در درون خانواده یا تعارض شدید بین گروه‌ها، آن هم صرفاً گروه‌های سنی..." (نقل از منبع پیشین: ۲۲۶).

اساساً چنانچه میان عرصه‌های حیاتی نسل‌ها در جامعه تفکیک و تمایز قائل شویم تبیین موارد اختلاف یا شکاف نسلی وضوح بیشتری می‌یابد. با مطالعه و تحلیل جزئیات پژوهش‌های متعدد انجام شده، می‌توان گفت در عرصه عمومی جامعه، یا ارزش‌ها و هنجارهای معمول و متعارف اجتماعی نه تنها اختلافات اندکی میان نسل‌ها مشاهده می‌شود بلکه در بسیاری از موارد با نوعی همبستگی فکری و عملکردی مواجه هستیم که بیانگر فضای مشترک ارزشی و رفتاری است. اتفاقاً هر نوع اختلاف اساسی در این عرصه است که می‌تواند مصداق بارزی از شکاف نسلی در جامعه باشد اما دیده می‌شود که در ارزشهایی مثل راستگویی، درستکاری، اهمیت علم و دانش، احساس رضایت اجتماعی، عدالت‌ورزی، صداقت داشتن و غیره پیوستگی‌های بسیاری در فضای نسلی وجود دارد و اختلافات موجود بسیار ناچیز و اندک است. اکثریت غالب پژوهش‌های انجام شده نشانگر آن است که این عرصه، نه تنها شکاف عمیق و اختلاف قابل تأملی وجود ندارد بلکه در

میان گروه های سنی مختلف پیوندی نگرشی و رفتاری وجود دارد. عرصه ای که به نوعی همان فرهنگ عمومی<sup>۲۴</sup> جامعه و نمایانگر بخشی از هویت<sup>۲۵</sup> هر یک از ما است.

در عین حال در نقطه مقابل عرصه عمومی، عرصه زندگی خصوصی آحاد جامعه است که فارغ از عمومیت های اجتماعی، شامل تمام آن چیزی است که مربوط به سلائق و علائق آدمیان در زندگی شخصی اعم از رویکرد به دین، نگاه به ازدواج، سبک های زندگی و غیره می گردد. یافته های موجود حاکی است که آنچه در قالب تعاریف و مفاهیم مربوط به شکاف نسلی می گنجد بیش از هر چیز در این عرصه از حیات انسانی جامعه ما مصداق می یابد. چنانکه با بررسی تحقیقات به عمل آمده روشن می گردد که علاوه بر عرصه رفتارهای مذهبی که اختلافاتی قابل تأمل در تعریف رفتارها و مناسک مذهبی یا نگرش های سنتی و رویکردهای متحجرانه به مذهب میان نسل قدیم و جدید دیده می شود، در حوزه مسائل خانواده، که شاید مهم ترین بُعد آن ازدواج و رسوم پیرامون آن ست هم در مواردی چند این اختلافات معنادار وجود دارد.

بخش عمده ای از تفاوت های موجود، ناشی از داشتن تجربه های مدرن نسل جدید است که البته چنانکه در سطور پیشین گفته شد، به نوعی بیانگر ظهور روند مدرنیته در ایران است. وضعیت نسلی در ایران نشان می دهد که در حال حاضر با آنکه بر مبنای نظریه وابستگی و سندرم شکست که در سطور پیشین اشاره شد نمی توان به طور آشکاری از شکاف نسلی در جامعه سخن گفت، به عدم شکاف نیز نمی توان اشاره ای قاطعانه داشت، چرا که نسل های ایرانی با اختلاف نظرهایی بنیادین در کنار هم حیات می گذرانند. چنانکه داده های آماری تحقیقات مذکور در سطور پیشین، در زمینه پدیده شکاف نسلی گویای این مسأله است که تفاوت هایی در بین نسل گذشته (والدین) و نسل جدید (فرزندان) در بسیاری از موارد و دیدگاه ها دیده می شود.

ویژگی های موجود در سبک زندگی نسل جدید، باعث ایجاد ماهیتی نو و متفاوت از نسل پیشین برای نسل نوین شده است. بالس (۱۳۸۰) معتقد است؛ ابژه های نسلی به عنوان پدیده هایی برای ایجاد حس هویت نسلی به نحوی ناخود آگاه موجب احساس همبستگی نسلی در میان انسان های دوره ای خاص می شوند که باعث تمایز آن ها از نسل های قبلی و بعدی خودشان می گردد. لذا تنها زمانی که نسل جدید آشکارا سلیقه های نسل قبلی را نقض می کند، با نسلی جدیدالظهور مواجه خواهیم بود. نسلی که با نسل قبلی خود متفاوت است و این تفاوت به برداشتی که آحاد هر نسل از دوره و زمانه خود دارند، شدت می بخشد. چنانچه بین نسل ها و ابژه های نسلی شان فضای

شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه ها و بینش ها.....۲۹

دیالکتیکی برقرار شود، فهمیدن شکاف ها و تفاوت ها در حوزه سلائق دو نسل سهولت می یابد. به گفته بالس (منبع پیشین)، دیالکتیک بین نسلی همه افراد را در خشونت، پذیرش و زایش فرهنگی درگیر می کند. کوچکترها با افراد بزرگ تر از خود مخالفت می ورزند، و بزرگترها هم در مقابل این مخالفان می ایستند؛ نتیجه آن است که ابژه های میان نسلی از این رهگذر خلق می گردند.

#### پی نوشت ها

- |                            |                          |
|----------------------------|--------------------------|
| 1-Generation gap           | 14-Family of Procreation |
| 2-Generation discontinuity | 15-Ogburn                |
| 3-Generation difference    | 16-Tibitz                |
| 4-Cultural discontinuity   | 17-M.Segalen             |
| 5-youth bulge              | 18-V.L.Bengston          |
| 6-I.Robertson              | 19-Reiss                 |
| 7-R.Ingliehart             | 20-Lobell                |
| 8-F.Alberoni               | 21-Lipest                |
| 9-J.M.Charon               | 22-Meta-Analysis         |
| 10-Age cohort              | 23-J.R.Gillis            |
| 11-Webster                 | 24-Public Culture        |
| 12-J.Bernardes             | 25-Identity              |
| 13-Family of Orientation   |                          |

#### منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰). شکاف بین نسلی در ایران. **نامه انجمن جامعه شناسی ایران** (ویژه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران)، شماره چهارم.
۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳). "الف. رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی. مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران". تهران: انجمن جامعه شناسی ایران.
۳. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳). "ب. جوانان و دگرگونی فرهنگی ارزشی. مجموعه مقالات بررسی مسایل جمعیتی ایران با تاکید بر جوانان (ویژه دومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران)". دانشگاه شیراز: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
۴. آقاجری، سیدهاشم (۱۳۸۲). "انقطاع نسل ها - انسداد نسل ها [مجموعه مقالات]. نگاهی به پدیده گسست نسل ها". به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۵. آلبرونی، فرانچسکو (۱۳۷۷). رویارویی با جوانی؛ چالش تاریخ. (بهر روز گرانپایه). **فصلنامه فرهنگ عمومی**، شماره ۱۴ و ۱۵، بهار و تابستان.
۶. اسپاک، بنجامین (۱۳۶۴). **پرورش فرزند در عصر دشوار ما**. ترجمه هوشنگ ابرامی. تهران: صفی علیشاه.
۷. افلاطون (۱۳۶۲). **پنج رساله**. ترجمه پرویز صناعی. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). **جامعه شناسی خانواده؛ با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر**. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۹. ایمانی، مصطفی و مرتضی مردیها (۱۳۸۱). "بررسی پیامدهای افزایش زنان دانشجو (بررسی و تحلیل افزایش سهم زنان در آموزش عالی)". تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری.
۱۰. اینگلهارت، رونالد (۱۹۹۰). **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.

۳۰..... پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸

۱۱. باقری، خسرو (۱۳۸۲). امکان و عوامل گسست نسل ها [مجموعه مقالات]، نگاهی به پدیده گسست نسل ها. به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۲. بزرگیان، امین (۱۳۸۴). "شکاف نسلی یا تفاوت نسلی؛ تحلیلی کوتاه بر جامعه شناسی نسلی در ایران". نشریه نامه، شماره ۳۹.
۱۳. بالس، کریستوفر (۱۳۸۰). ذهنیت نسلی [مقاله]. ترجمه حسین پاینده. فصلنامه ارغنون. شماره ۱۹، زمستان.
۱۴. بیکر، ترزال (۱۳۸۱). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: چاپ دوم: روش،
۱۵. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). جامعه ایرانی و شکاف میان نسلها. نشریه راهبرد، شماره ۲۶، زمستان.
۱۶. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). "زمینه های اجتماعی گسست نسلی در ایران [مجموعه مقالات]. نگاهی به پدیده گسست نسل ها". به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی،
۱۷. توکلی، مهناز (۱۳۸۲). "بررسی ویژگی های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی [مجموعه مقالات]. نگاهی به پدیده گسست نسل ها". به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۸. جاجرمی، کاظم (۱۳۷۷). نسل جوان؛ ویژگی های ساختاری نسل نو. تهران: بنیاد مطالعات آسیائی.
۱۹. جعفر زاده پور، فروزنده؛ ساعی، منصور و رضا جاروندی (۱۳۸۸). الگوهای قدرت در روابط بین نسل، بازنمایی سریالهای ایرانی تلویزیون؛ مطالعه شبکه های ۳ و ۱. پژوهشنامه علوم اجتماعی. سال سوم. شماره دوم.
۲۰. جلیلی، هادی (۱۳۷۷). شکاف نسلها. فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۱۴ و ۱۵، بهار و تابستان.
۲۱. حاضری، علی محمد (۱۳۸۰). مسائل اجتماعی متأثر از تعارض ارزش ها در دوران گذار. نامه انجمن جامعه شناسی ایران (ویژه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران)، شماره چهارم.
۲۲. حیدری بیگوند، داریوش (۱۳۸۰). مسأله بحران هویت جوانان. نامه انجمن جامعه شناسی ایران (ویژه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران)، شماره چهارم.
۲۳. دوران، ویل و آریل (۱۳۶۹). لذات فلسفه. ترجمه عباس زریاب خونی. تهران: سازهان انتشارات انقلاب اسلامی (چاپ پنجم).
۲۴. رابرتسون، یان (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه. ترجمه حسین بهروان. مشهد: آستان قدس رضوی (چاپ دوم).
۲۵. روشه، گی (۱۳۶۸). تغییرات اجتماعی. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی،
۲۶. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰). توسعه و تضاد. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی (چاپ چهارم).
۲۷. ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). "جزوه های درسی دوره دکتری جامعه شناسی".
۲۸. سگالن، مارتین (۱۳۷۰). جامعه شناسی تاریخی خانواده. ترجمه حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز،
۲۹. شارون، جوئل (۱۳۸۲). ۵۵ پرسش از دیدگاه جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: چاپ سوم: نشر نی،
۳۰. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۲). "مؤلفه ها و عوامل گسست نسل ها [مجموعه مقالات]. نگاهی به پدیده گسست نسل ها". به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۱. شفرز، برنهارد (۱۳۸۳). مبانی جامعه شناسی جوانان. ترجمه کرامت اله راسخ. تهران: نشر نی،
۳۲. صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۷۴). جامعه شناسی مسایل اجتماعی جوانان. تهران: جهاد دانشگاهی.
۳۳. عبدالهیان، حمید (۱۳۸۲). "تغییرات فرهنگی و شکاف نسل ها در ایران؛ مفهوم سازی شکاف نسلی [مجموعه مقالات]. نگاهی به پدیده گسست نسل ها". به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی،
۳۴. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۲). "نگاهی به پدیده گسست نسل ها". تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.



شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه ها و بینش ها..... ۳۱

۳۵. غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۳). "بازتاب دو تجربه گرم در نسل ها، از کتاب جوانان و مناسبات نسلی در ایران". به اهتمام محمدعلی محمدی. تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۶. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). **پایان نظم**. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: جامعه ایرانیان.
۳۷. قادری، حاتم (۱۳۸۲). "انقطاع نسل ها؛ انقلاب کامل [مجموعه مقالات]، نگاهی به پدیده گسست نسل ها". به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۸. قبادی، خسرو (۱۳۸۲). "گسست پارادایمی بین نخبگان فکری ایران [مجموعه مقالات]، نگاهی به پدیده گسست نسل ها". به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۹. کازنو، ژان (۱۳۷۷). **جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی**. ترجمه باقرساروخانی و منوچهرمحسنی. تهران: چاپ ششم، اطلاعات.
۴۰. کامران، مینا (۱۳۸۱). **هفته نامه آتیه**. ۲۲ مردادماه، شماره ۳۷۶، سال نهم.
۴۱. کمیته تحقیق انجمن ملی اولیاء و مربیان (۱۳۵۲). **بررسی تفاوت نظام ارزشهای نوجوانان و مادران**. تهران: سازمان رواج.
۴۲. کمالی، افسانه (۱۳۸۰). بررسی ماهیت، ابعاد و چگونگی شکل گیری مساله جوانان. **نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران** (ویژه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران)، شماره چهارم.
۴۳. لادیه، ماری و فولادی (۱۳۸۳). "تحول جمعیتی-اجتماعی خانواده و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی جوانان، مجموعه مقالات بررسی مسایل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان (ویژه دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران)". دانشگاه شیراز: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
۴۴. محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). **بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران**. تهران: شورای فرهنگ عمومی،
۴۵. محسنی تبریزی، علیرضا و لادن هویدا (۱۳۸۰). آسیب شناسی اجتماعی جوانان در محیط های دانشگاهی. **فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان**. ش ۷ و ۸، بهار و تابستان.
۴۶. محمدی، محمدعلی [مجموعه مصاحبه ها] (۱۳۸۳). **جوانان و مناسبات نسلی در ایران**. تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۴۷. مددپور، محمد (۱۳۸۲). "صورت های نوعی گسست نسلی و فرهنگی [مجموعه مقالات]، نگاهی به پدیده گسست نسل ها". به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۴۸. معیدفر، سعید (۱۳۸۳). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی. **نامه علوم اجتماعی**. شماره ۲۴، زمستان.
۴۹. مید، مارگرت (۱۳۷۴). **فرهنگ و تعهد: مطالعه در شکاف نسل ها**. ترجمه نعمت الله فاضلی و فهیمه سیوش. استان مرکزی: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۰. نراقی، احسان (۱۳۵۵). **جامعه، جوانان، دانشگاه**. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی (چاپ سوم).
۵۱. یوسفی، نریمان (۱۳۸۳). **شکاف بین نسله (بررسی نظری و تجربی)**. تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

52. Bernardes, Jon (1997). *Family Studies: an introduction*. London: Routledge.